

## گزارش

سنگینی گردوغبار  
بر آسمان استان کنور

**شهروند** | میهمانی گرد و غبار سومین روز را هم پشت سر گذاشت. از روز جمعه گرد و غبار، بار دیگر میهمان ناخواسته جنوب، جنوب غربی و غرب کشور شده. خوزستان، فارس، ایلام، کرمانشاه و کهگیلویه و بویراحمد، استان هایی هستند که در روزهای گذشته نه آسمان آبی دیده اند و نه هوایی داشته اند که قابل نفس کشیدن باشد. غلظت ذرات معلق از روز جمعه افزایش یافت و در نخستین روز هفته به اوج رسید. در روز شنبه خبرها از رسیدن غلظت گرد و غبار در خوزستان به ۵ برابر حد مجاز و در لرستان به ۱۰ برابر استاندارد داشتند؛ حاکمیتی تکراری و تلخ.

پیش بینی می شد، در روز یکشنبه آرامش به شهرهایی که در گرد و غبار غرق شده بودند، باز گردد و آسمان آبی شود اما این پیش بینی ها درست از آب در نیامد، تا عصر دیروز آسمان در شهرهای خوزستان، کرمانشاه، ایلام، فارس و کهگیلویه و بویراحمد همان رنگی بود که از روز جمعه به خود گرفته بود، رنگ غبار.

نصرت الله کرمی، مدیر کل سلامت محیط و کار دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویراحمد، وضع آلودگی هوا در این استان را خطرناک می داند و به ایسانی می گوید: «براساس سنجش کیفیت هوای استان از ایستگاه تحقیقات محیط زیست گچساران و یاسوج، مقدار ذرات معلق (ریز گردها) در شهر یاسوج ۳۵۵ و در شهر گچساران ۳۸۶ میکروگرم بر متر مکعب استخراج شده که این مقدار از لحاظ استانداردهای ملی، وضع هوا را از نظر سلامت انسان خطرناک تعیین می کند»

بر اساس گزارش اداره کل محیط زیست کهگیلویه و بویراحمد، میانگین آلودگی هوا از روز شنبه تا یکشنبه در شهر یاسوج ۲۸۰ میکروگرم بر مترمکعب بوده که ۲ برابر حد استاندارد است. عطا پور شیرزاد، مدیر کل محیط زیست کهگیلویه و بویراحمد در این باره می گوید: «میزان آلودگی هوا در شهرستان گچساران نیز ۲۴۵ میکروگرم بر مترمکعب بود که ۲.۵ برابر حد استاندارد بوده است.» درصاحه سایر شهرستارهایی این استان، اطلاعاتی در دست نیست، چرا که به گفته پور شیرزاد، ایستگاه سنجش آلودگی تنها در شهرهای یاسوج و گچساران فعال هستند و ایجاد ایستگاه سنجش آلودگی در مابقی شهرهای استان نیازمند اعتبارات لازم است. به همین دلیل از وضع سایر شهرستان های استان اطلاعی نداریم.

در روزهای گذشته، ایلام آب و هوای عجیبی را پشت سر گذاشته است. هوا بارانی است اما باران ننواشته سایه گرد و غبار را از سر این استان کنار برزند به گزارش ایسنا، به نظر می رسد باران هم در مقابل ریزگردها کم آورده و گل ها به گل نشتند. در همین خصوص مازیار سلیمان نژاد، مدیر کل محیط زیست ایلام با اشاره به این که بنابر آمارهایی که از صبح دیروز توسط ایستگاههای آلودگی سنج در سطح استان گزارش شده، وضع ریزگردها به هشدان نرسیده اما روند غلظت در استان در حال افزایش است. پیش بینی افزایش غلظت ریزگردها در حالی از سوی مدیر کل محیط زیست ایلام، مطرح می شود که مجتبی میهن پرست کارشناس پیش بینی هواشناسی معتقد است که «پدیده رموز گرد و غبار در استان وجود دارد اما پیش بینی می شود، بارش باران در روزهای آینده غلظت آن را کاهش دهد.» در روزهایی که پیش بینی می شد، آرامش از شنبه بعد از ظهر به آسمان استان های جنوبی، جنوب غربی و غربی کشور باز گردد، غبار خود را به استان فارس رساند تا آرامش همچنان از چشم استان های جنوبی کشور دور بماند. به گزارش اداره کل حفاظت محیط زیست فارس و به استناد سنجش های انجام شده توسط دستگاههای پرتابل و ثابت، میزان آلاینده ها در هوای شهرهای شیراز، زرقان، خرمید، نورآباد، مرودشت، نیریز و لامرد، بالاتر از حد مجاز اعلام شده است. وضع هوای شهر شیراز به لحاظ ذرات معلق، در ساعت ۱۱ صبح روز شنبه، به طور میانگین ۲۸۲ میکروگرم در مترمکعب بوده که این میزان از لحاظ حاکمیت نا سالم بودن هوا دارد. همچنین براساس گزارشات واصله از سایر نقاط استان، وضع میزان ذرات معلق ۱۰ PM۱ در سایر نقاط استان مانند شهرهای خرمید ۲۴۶، نورآباد ۲۳۳، مرودشت ۳۳۰، نیریز ۲۸۶ و لامرد ۲۰۶ میکروگرم گزارش شده است. به گزارش ایسنا، طبق اعلام اداره هواشناسی، منشا بروز این گردوغبار، صحرای عربستان بوده که وجود سیستم کم فشار در استان باعث تشدید این پدیده شده است.

براساس گزارش محیط زیست، در صورت وزش بادو افزایش جریان هوا، احتمال کاهش میزان گردوغبار وجود دارد اما در صورت پایداری وضع جوی، شاهد افزایش گرد و غبار خواهیم بود. لرستان دیگر استان کشور بود که برای سومین روز متوالی آسمانش پر از گرد و غبار بود. به گفته سعید درغولی نژاد، رئیس اداره امور آزمایشگاههای اداره کل محیط زیست استان کرمانشاه، هوای استان برای سومین روز متوالی خارج از شرایط استاندارد است و غلظت ذرات موجود معلق در هوا در ساعات میانی دیروز، ۳۲۹ میکروگرم بر مترمکعب بود. او با اشاره به این که اگر روند افزایشی غلظت گرد و غبار ادامه یابد، وارد وضع هشدار خواهیم شد، به ایسا می گوید: «در ۱۲ ساعت دیروز یعنی از ساعت ۲۴ شب یکشنبه ۱۲ تا دیروز ظهر میانگین غلظت ذرات معلق موجود در هوای شهر کرمانشاه ۱۴۱ میکروگرم بر مترمکعب هوا بوده که اگر چه باینگر وضع استاندارد است اما شاهد روند صعودی افزایش غلظت ذرات معلق موجود در هوای کرمانشاه بودیم.»

## میزگرد «شهروند» درباره کیفیت و شرایط تحصیل در مدارس دولتی و غیرانتفاعی

## رشد دانش آموزان در مدارس دولتی طبیعی تر است

◀ مدارس غیرانتفاعی تبدیل به پرستاران آموزشی دانش آموزان شده اند



میزگرد «شهروند»

الناز محمدی | مدارس غیرانتفاعی بهترند یا دولتی؛ این سوال سال هاست تبدیل به سوال اصلی خانواده هایی شده که فرزندان شان در سن ورود به مدرسه اند. در همه این سال ها بین کارشناسان آموزشی و حتی مسئولان آموزش و پرورش در این باره تفاوت نظر وجود داشته؛ این که بچه ها به مدارس غیرانتفاعی بروند، پول بیشتری بدهند و مهارت های مختلفی را یاد بگیرند یا این که مدارس دولتی بچه ها را جامعه پذیرتر و با جامعه سازگارتر می کند همیشه جزو این اختلاف ها بوده است. حالا باز دیگر شدن فصل ثبت نام در مدارس، میزگردی در این باره با حضور مهدی بهلولی و محمدضایک نژاد، معز الله مهدوی، کارشناس آموزشی و معاون ادارات آموزش و پرورش تهران و حمید مدنی، پدر دانش آموزی که در آستانه ورود به مدرسه در اول دبستان است، برگزار شد که شرح کامل آن را می خوانید.

آنها و پدر و مادرهایشان درباره معلم ها سوال کنند. همین الان هم بهترین وقت برای تحقیق در این باره است چون بهترین زمان برای ثبت نام دانش آموزان، اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت است. بهلولی: من بخش بزرگی های مختلف فعالیت می کنند مثلا یک آزمون ورودی دارند و به عنوان مثال دوهزار نفر شرکت می کنند و از میان آنها ۱۰۰ نفر انتخاب می شوند و این نشان می دهد که بچه هایی با کیفیت فکری و آموزشی بالاتری به این مدارس راه پیدا می کنند.

مدنی: ولی موضوعی که در این باره وجود دارد این است که مدارس غیرانتفاعی از خودشان فضای می سازند که مدرسه، بهترین معلم ها را جذب می کند و بنابراین پدر و مادرها می گویند معلم موضوع مهمی است و از این نظر دلگرم می پیدا می کنند.

حیدر مدنی، پدر یک دانش آموز اول دبستانی: امانی توان گفت که همه خدماتی که مدارس غیرانتفاعی ارائه می کنند، ظاهر سازی است. در تعدادی از این مدارس مثلاً گفته می شود که وقتی مدرسه آموز به چهارم دبستان رسید، زبان انگلیسی و یکی دویزان دیگر را کاملاً بلد است یا... البته نمی دانم این موضوعات چقدر محقق می شود.

**بهلولی:** از نظر من این موضوعات در آمریکا هم محقق نمی شود. تعدادی از نویسندگان و محققان آمریکایی هستند که معتقدند همه این خدمات در مدارس، دکتور و برای جذب مشتری است. یعنی می توان اهداف فعالیت این مدارس را بیشتر اقتصادی دانست تا آموزشی؟

**بهلولی:** بله کاملاً این مدارس به صورت تجاری و پولی فعالیت می کنند. آموزش و پرورش باید در یک فضای پرورشی و دولتی که با واقعیت اجتماعی سازگارتر است و بدون دادن امتیاز ویژه ای به افراد، فعالیت کند.

**احتمالاً به خاطر همین هم بود که وقتی بحث واگذاری ۹۰۰ مدرسه به بخش غیردولتی پیش آمد، تعداد زیادی از کارشناسان آموزشی مانند شما و البته نامندگان مجلس در این باره انتقاد داشتند.**

**محمدضایک نژاد، آموزگار:** درست است و به همین دلیل هم مجلس جلوی این طرح ایستاد. تعداد زیادی از خانواده ها مانند آقای مدنی به دنبال این هستند که فرزندان شان را در مدارس غیرانتفاعی ثبت نام کنند و این به دلیل آن است که شناختی از فضای این مدارس ندارند. الان شما نگاه کنید در این جمع سه معلم حضور دارند و هیچ کدام از بچه هایمان را به مدارس غیرانتفاعی نفرستاده ایم. می گویند این مدارس هوشمندند، برنامه های اضافه همین که خانواده ها به این مدارس می روند و آنها دارند و... آنها را راضی می کند. من مادم است که در دبیرستان غیرانتفاعی ای کار می کردم که آنها دو تا کارنامه می دادند؛ یک کارنامه برای پدر و مادر و یک کارنامه برای خودشان. پدر و مادرها کارنامه ای را تحویل می گرفتند که نمره های بچه هایشان همه ۱۹ و ۲۰ بود و این درحالی بود که آنها کارنامه واقعی را در دست نداشتند. این روند ادامه داشت تا سوم دبیرستان و وقتی دانش آموزان به امتحانات نهایی می رفتند، ۳۰ درصد قبولی داشتند. همه اینها نشان می دهد که این مدارس کاملاً مشتری محورند.

**از نظر تربیتی شما چه مواردی را در این مدارس دیده اید که به مدارس دولتی فرق داشته است؟**

**نیک نژاد:** این مدارس به شدت تحت نظارت دولتنند و برنامه های شان نمی تواند با سیاست های آموزشی رازیه پیدا کند. در مدارس دولتی چون معلمان رسماً حقوق بگیرند و به خیلی از مسائل اهمیت نمی دهند، بچه در کنار بچه های دیگر رشد طبیعی تری دارد ولی در مدارس غیرانتفاعی چون ازبوله است، فشارهای آموزشی بیشتری به بچه ها می آید و همین اجازه نمی دهد که بچه رشد طبیعی خودش را داشته باشد؛ یعنی عموماً این بچه ها دچار

مهدوی: حالا مثلاً من مدارس دولتی منطقه ۳ بررسی می کنم. باز هم این بررسی ها نشان می دهد که اولاً مدیر در مدرسه به ویژه در دوره ابتدایی نقش دارد ولی نقش اول را معلم دارد؛ یعنی اگر خانواده ای خواست که فرزندش را در اول ابتدایی ثبت نام کند، اول از همه باید ببیند که معلم او کیست. **خب مسأله اینجاست که وقتی خانواده ها می خواهند فرزندشان را در مدرسه های مثلاً برای دوره اول ابتدایی ثبت نام کنند، مسئولان آن مدرسه می گویند که بهترین معلم در آن مدرسه کس است. من هم به مادرها می گویم که بچه ها را با ناظران مدارس دسترس نمی نماند و خیلی وقت ها حتی نمی توانند معلمی را که قرار است به فرزندشان درس بدهد، ببینند.**

راه این موضوع این است که پدر و مادرها به سراغ بچه های کلاس دومی بروند و از آنها درباره معلمان سوال کنند. مثلاً ما در همین منطقه ۱۲ معلمی داشتم که بیماری روانی داشت و کلاس را به معلمی که در آنجا بود و اولیا از او شکایت می کردند فقط می آید و بچه ها را می زند و کلاس را می خراب می کند. کافای است که وقتی بچه ها تعطیل می شوند، اولیا از

در دوره ابتدایی باشد، به این فکر کنیم که او چطور رشد کند و چطور با همکلاسی هایش بهتر ارتباط برقرار کند و...

**نکته دیگری که وجود دارد این است که در سال های اخیر و به ویژه در میان خانواده های با توان مالی بالا و تحصیلات عالی نوعی نگاه به وجود آمده مبنی بر این که کلافزندان شان را به مدرسه فرستند و حتی مدارس سی شکل گرفته که کلاژ سیستم آموزشی رسمی جدا هستند و کتاب های اختصاصی خودشان را تدریس می کنند. از طرف دیگر هم در تعدادی از خانواده ها، از ترس این که فرزندانشان در سیستم آموزشی آسیب ببینند، در خانه درس می خوانند و فقط برای دادن امتحان به مدرسه می روند. از نظر شما پیامد این موضوع چیست و چه تأثیری روی این بچه های گذارد؟**

**بهلولی:** از نظر من اولین پیامد این موضوع این است که آن جامعه پذیری لازم در این بچه ها شکل نمی گیرد. فرض کنیم من بچه ام را در یک محیط ایزوله بزرگ کنم، او وقتی بیرون بیاید ارتباط اجتماعی و... بلد نیست. ما باید بچه هایمان را رشد دهیم. ما باید بچه را برای زندگی اجتماعی آماده کنیم. اگر چه ساختار الان این موضوع را انجام نمی دهد ولی نمی توانیم بگوییم که تعطیل شده است. این بچه ها به نظر در این زمینه بسیار آسیب پذیر خواهند بود. ولی به هر حال اگر خانواده ای این کار را می کند باید همه شرایط این موضوع را در نظر بگیرد.

**اگر بخواهیم همان بحث تفاوت میان مدارس دولتی و غیرانتفاعی را پی بگیریم، موضوعی که وجود دارد این است که همان طور که گفتیم مدارس غیرانتفاعی درباره خدمات شان تبلیغات زیادی می کنند ولی وقتی با دانش آموزان این مدرسه صحبت می کنیم، می بینیم که از نظر روش های تربیتی و آموزش های مختلف درباره مهارت های زندگی و... هیچ آموزش اضافی برای آنها در این مدارس وجود ندارد. این موضوع قابل توجه است چرا که این فکر را به ذهن می رساند که انگار این مدارس همان دکتورهای اند که وقتی بچه ها وارد آنها می شوند، هیچ چیز اضافی که واقعا به درد زندگی اجتماعی شان بخورد، دریافت نمی کنند.**

**مهدوی:** واقعیتی که الان وجود دارد این است که آموزش و پرورش کلبیتی دارد که سطح آگاهی های مدیران و معلمان تا حدودی با هم برابر است. نکته بعدی این است که مدارس غیرانتفاعی ترجیح داده اند که به جای مدیریت آموزشی و وارد شدن به فضای جدیدتر، بیشتر پرستاری آموزشی کنند؛ یعنی مثلاً من وقتی بچه ام را به غیرانتفاعی می فرستم همه عوامل مامور می شوند که دایم او را کنترل کنند و برنامه اضافه به او بدهند. از طرف دیگر در ایران اختلاف طبقاتی آموزشی زیادی وجود دارد؛ مثلاً مدارس سی وجود دارند که دو زمین فوتبال، استخر، اردوهای خاص، نیروهای هنری درجه یک و... دارند درحالی که این امکانات در اختیار مدارس دولتی نیست. حالا باید دید این پرستاری پرستیده شود ولی در نهایت به نظر نه فقط کسانی که امکاناتشان بیشتر است در یک رقابت کشنده جلوتر می افتند. ما باید اول تعریفمان را روشن کنیم مثلاً در دوره ابتدایی آیا آموزش زبان های مختلف اولویت است یا نه. موضوع دیگر این است که در این میان مدرسی موفق شده اند که به صورت مجتمع در آمد دارند و به دنبال اهداف مختلف در آموزش و پرورش هستند.

**نیک نژاد:** چون ساختار آموزشی ما تعریف شده و متصور است، هیچ فرقی بین مدارس دولتی و مختلف اولویت است یا نه. موضوع دیگر این است که در این میان مدرسی موفق شده اند که به صورت مجتمع در آمد دارند و به دنبال اهداف مختلف در آموزش و پرورش هستند. **نیک نژاد:** چون ساختار آموزشی ما تعریف شده و متصور است، هیچ فرقی بین مدارس دولتی و مختلف اولویت است یا نه. موضوع دیگر این است که در این میان مدرسی موفق شده اند که به صورت مجتمع در آمد دارند و به دنبال اهداف مختلف در آموزش و پرورش هستند. **نیک نژاد:** چون ساختار آموزشی ما تعریف شده و متصور است، هیچ فرقی بین مدارس دولتی و مختلف اولویت است یا نه. موضوع دیگر این است که در این میان مدرسی موفق شده اند که به صورت مجتمع در آمد دارند و به دنبال اهداف مختلف در آموزش و پرورش هستند.

**به عنوان جمع بندی برای این بحث، بالاخره برای ثبت نام در مدارس و به ویژه برای دوره ابتدایی، پاسخ به نگرانی های خانواده ها برای ثبت نام در مدارس مختلف چیست؟**

**مهدوی:** دوره ابتدایی به نظر مهم ترین قسمت آموزش و پرورش است. اهدافی هم که برای این دوره مشخص شده نشان می دهد که باید بیشتر به فضای علائق و فضای بازی، ورزش و موسیقی و... نزدیک شویم. نکته دیگر هم این است که وقتی اولیای دانش آموز به دنبال مدرسه می گردند باید به دنبال مهم ترین مسأله، یعنی معلم باشند و کار آمدی و برنامه ریزی او. نکته بعد این است که عملاً در آموزش شاخص در زندگی شان انتخاب می کنند. این موضوع در ۷۰ درصد ورودی های دانشگاه که دخترند هم خودش را نشان داده است. ما باید به سمتی برویم که به جای این که تمر کزمان روی آموزش بچه و به ویژه

مقام مسئول در وزارت بهداشت خبر داد  
**مرگ روزانه ۱۰ نفر به دلیل نبود عضو اهدایی**

**شهروند** | هر روز هفت تا ۱۰ نفر به خاطر نبود عضو اهدایی، جان شان را از دست می دهند، تعدادشان کم نیست، مسئولان اداره پیوند وزارت بهداشت، تعدادشان را حدود ۲۵ هزار نفر اعلام می کنند؛ کسانی که به ارگان های حیاتی مانند کبد، کلیه، قلب، ریه، لوزالمعده و روده نیاز دارند. امید قیادی، قائم مقام رئیس اداره پیوند وزارت بهداشت است. او می گوید: «هر سال ۸ تا ۵ هزار نفر مرگ مغزی در کشور اتفاق می افتد که از این تعداد ۲ هزار و ۵۰۰ تا ۴ هزار نفر یعنی حدود ۵۰ درصد از آنها صلاحیت اهدای عضو دارند، یعنی ارگان های آنها برای اهدا مناسب است.» او عمده ترین دلیل اهدا نکردن عضو را رضایت ندادن خانواده ها اعلام می کند. «در سال های ۹۲ و ۹۳ شاهد بودیم که تنها حداکثر ۸۰۰ مورد از آنها به اهدا رسیدند.»

به گفته قائم مقام رئیس اداره پیوند وزارت بهداشت، به جز کلیه که هم می توان آن را از فرد زنده گرفت و هم دیالیز کرد، تنها منبع تأمین دیگر ارگان های حیاتی در حال حاضر، افراد مرگ مغزی هستند. اگر ۵۰ تا ۶۰ درصد از مرگ مغزی ها به مرحله اهدای عضو برسند، تمام بیماران نیازمند، پیوند می شوند و او ادامه می دهد: «براساس آمارها در سال ۸۴ در ایران، رضایت به اهدای عضو فقط ۵۰ درصد بود و این تعجب آور بود، زیرا ایرانی ها در دنیا به عنوان انسان های ایثارگر و نوع دوست می شناسند.» قیادی تمرکز مراکز پیوند در تهران را موضوع ناعادلانه عنوان می کند: «هم اکنون بیشتر مراکز پیوند در تهران متمرکز شده و به صورت عادلانه در سراسر کشور تقسیم نشده اند. در حالی که فردی که در خوزستان نیاز به پیوند دارد، به مقایسه با فردی که در تهران است باید به همان میزان از این امکانات برخوردار باشد.» او با بیان این که همه مراکز استان ها موظف به پیوند کلیه هستند و برای پیوند ۷۲ مرکز در کشور را در نظر گرفته ایم، می گوید: «رای نمونه در قطب جنوب شرق کشور که کرمان، یزد و سیستان و بلوچستان قرار دارند، قرار بر این است که کرمان پیونده و کبد و آن ۱۰ استان دیگر پیوندها را انجام دهند اما تمام تلاش خود را به کار می گیریم که در این مراکز جامع را در تمام مراکز استان ها داشته باشیم.» قیادی در تشریح وضع مرگ مغزی توضیح می دهد: «در پزشکی ۲ نمونه مرگ داریم. یکی مرگ قلبی که بیش از ۹۰ درصد از مرگ های مرگ مغزی است. این مرگ های مرگ مغزی است که به صورتی که قلب یک انسان می ایستد و دیگری، مرگ مغزی است که کمتر از ۱۰ درصد از مرگ ها به خود اختصاص داده و دلیل این که در بیمارستان ها اتفاق می افتد، بسیاری از مردم با آنها آشنا نیستند، پس برای این نوع مرگ نیاز به فرهنگ سازی داریم.» قائم مقام اداره پیوند وزارت بهداشت درباره مراحل دریافت کارت اهدای عضو می گوید: «اسفند سال ۹۳ اولین سالنامه کشوری است که اهدای عضو به نشانی chda.center در رودسر گیلان با حضور وزیر بهداشت افتتاح شد و اولین فردی هم که در این مراسم اقدام به گرفتن این کارت کرد، وزیر بهداشت بود.»

مدیر کل اداره حج و زیارت کهگیلویه و بویراحمد:

**افراد زیادی از حج عمره انصراف داده اند**

**شهروند** | مدیر کل اداره حج و زیارت کهگیلویه و بویراحمد، مجرای پشاره کردن مدارک مرد ۵۰ ساله یاسوجی مقابل ساختمان اداره حج و زیارت را تکذیب کرد و گفت: «طبق بررسی های اداره حج و زیارت چنین شخصی وجود خارجی ندارد که پیغامی برای حج عمره ثبت نام کرده باشد اما افراد زیادی از سفر عمره انصراف داده اند.» رحمان فاضلی که در این سفر عمره انصراف داده اند، رحمان فاضلی با تأکید بر این که مردم زیادی از اتفاقات عربستان و ماجرای فرودگاه شهر جده ناراحت هستند، به آنا گفت: «افراد زیادی حجتی امده اند و انصراف داده اند یا اساساً علاقه ای به شرکت در مراسم حج عمره ندارند و به اندازه کافی سوزوهر برای انتشار هست و نیاز به توسل به دروغ نیست.» او با بیان این که تمام لباس های سازمان حج و زیارت چک شده و جنیم فردی در هیچ کاروانی ثبت نام نکرده است، تأکید کرد: «طبق درخواست اداره حج و زیارت استان حتی از سالمه های بانکهای ملی و ملت در سراسر کشور، انصراف از حج عمره گرفته شد و چنین شخصی اساساً ثبت نامی برای حج نداشته و متأسفانه برخی رسانه ها باین خبر اهداف خاصی را دنبال می کنند.» او افزود: «این دروغ پرگانی بسیار کارناشایستی است که یک رسانه محلی انجام داده است. ما از طریق سایتی که خبر را منتشر کرده، پیگیری کردیم و معلوم شد که نامش مستعار است و خلاصه تلاش داشته که مسأله را عادی جلوه دهد اما ما اعلام کردیم که این اخبار دروغ را منتشر نکنند.»

**محسنی بندپی رئیس سازمان بهزیستی شد**

**شهروند** | محسنی بندپی، رئیس سازمان بهزیستی شد. انوشیروان محسنی بندپی که پیش از این مدیر عامل سازمان بیمه سلامت ایران بوده، حالا به دستور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به عنوان رئیس سازمان بهزیستی منصوب شد. به گزارش ایسنا، شنیده ها حاکی از آن است که هنوز جایگزین محسنی بندپی در سازمان بیمه سلامت معرفی نشده است. پیش از این هماهین هاشمی ریاست سازمان بهزیستی کشور را عهده دار بود.